

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

یونس نگاه  
۰۵ اپریل ۲۰۲۲



یونس نگاه

## "قواله قوتن"

گرگی را گفتند اگر می‌خواهی صاحب قوتن گوسفندان قبولت کنیم، نیش‌هایت را پنهان کن، دست از درندگی بردار و حقوق گوسفندها را رعایت کن. گرگ گوسفندی را دریده گفت، چرا نی. فقط همین یکی را بخورم باز گپ می‌زنیم. وقتی شکم گرگ و چوجه‌هایش سیر شد، امریکا پرسید چطور شد؟ گرگ بعد از چند وقت و با نخره جواب داد که چه چطور شد؟ امریکا در اکراین مصروف شده بود، جرمنی گفت که همو مسأله حقوق و نیش‌ها را می‌گوئیم. گرگ دنبه گوسفندی را بریده گفت اها. خوب است. قواله قوتن را امضاء کنید باز گپ می‌زنیم.

پاکستان، چین، روسیه، ایران و قطر گفتند از ما را امضاء شده بگیر. ناروی، اسپانیا، ترکیه و چند تایی دیگر چشمک زدند و اتحادیه اروپا نیز یک سرفه گنگ کرده گفت: گرگ جان، تو هم یک کمی حسن نیت نشان بده که پیش برویم. گرگ پستان یکی از گوسفندان را چک زد و گفت: چرا نی. من به نشانه حسن نیت دم را قطع می‌کنم.

کانادا که کمی ساده لوح است پرسید: دمت را با چی قطع می‌کنی؟

گرگ گفت: با دندان.

کانادا گفت: باور نمی‌کنم این کار کردنی باشد. اول دهانت به آسانی به دم نمی‌رسد. اگر برسد کندن دم درد دارد. تو که توانائی پنهان کردن نیش‌هایت را نداری چطور می‌توانی دمت را بکنی.

گرگ گفت: آسان است. طالبان رابطه‌اش را با تروریستان قطع کرد. من چرا نتوانم دم را قطع کنم.

کانادا که راهش دور است و زیاد سرش به مسایل قوتن و گرگ‌های این‌طرف‌ها باز نیست، پرسید: مگر گروه طالبان رابطه خود را با تروریستان قطع کرده است؟

گرگ گفت: بلی. طالب گفت قطع کردم و بزرگان هم قبول کردند.

امریکا از روی لاشه اکراین غر زده گفت: چه کسی می‌گوید قبول کردیم؟

گرگ گفت: اگر قبول نکرده‌ای جنگ‌هایت کو؟ بم‌هایت چرا دیده نمی‌شوند؟

امریکا چیزی نگفت و انگلیس صدا زد: زمین گرد است و فصل جنگ مثل تابستان دور کره خاکی در حرکت می‌باشد. شاید دوباره نوبت افغانستان هم برسد.

گرگ گفت: تا نوبت دیگر کی زنده کی مرده. حالا شما همین حسن نیت مرا قبول کنید. باقی چیزها را در فصلش گپ می‌زنیم.

اتحادیه اروپا گفت: حداقل دمت را جمع کن و این‌طوری سیخ‌نگیر که بهانه‌ای برای امضای قواله داشته باشیم.

گرگ گفت: من دمم را خورده‌ام. دیگر دم ندارم.

سازمان حقوق بشر داد زد: خی او چیست که به پشتت کشال است؟

گرگ گفت: تو چپ باش. کلان‌ها گپ می‌زنند.

اتحادیه اروپا گفت: سازمان راست می‌گوید. دمت از دور معلوم می‌شود.

گرگ گفت: شما تبعیض می‌کنید. طالبان اعلام کرد که تریاک را منع می‌کنیم. شما چندین قدم پیش دویدید. نصف کمک‌های بشردوستانه را تعهد کردید. چند کشور دپلومات‌های طالبان را پذیرفتند. من بیچاره که جار می‌زنم دم ندارم، شما قواله چند تا گوسفند را امضاء نمی‌کنید.

عمران گفت: راست می‌گوید.

رئیس‌گفت: گرگ لالا، تو کارت را بکن. من این راه را پیموده‌ام. فقط نگذار که گوسفندها آب راحت از گلوی‌شان پائین شود و یگان جگر و ران به همسایه‌هایت نیز تعارف کن که کباب و لاندی کنند. مهم این است که گوسفندداری، قوتن داری باقی چیزها قصه است.

گرگ گفت: آفرین. تو الگوی ماستی. برت یک ران از گوسفند کمال‌خان روان می‌کنم.

و زیگنال قطع شد. خدام که دیگر چه گپ‌هایی زده باشند!